
تبیین عینی مفهوم استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در بررسی رابطه ایران و آمریکا

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۴

جلیل دارا^۱

محمود بابایی^۲

چکیده

روحیه برتری‌جویی یک جامعه یا یک نظام حکومتی موجب می‌شود تا آن نظام یا حکومت خود را در جایگاهی برتر و بالاتر از سایر نظام‌ها و حکومت‌ها پندارد که بر این اساس، بر خود جایز می‌داند سیطره خویش را در حوزه‌های مختلف فکری، اعتقادی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و سیاسی اعمال نماید. امام خمینی (ره) از جمله اندیشمندان و سیاستمدارانی است که در اندیشه سیاسی خویش به کرار از مفهوم «استکبار» استفاده نموده و با تعیین مصداق، این مفهوم را از حالت ذهنی بر وضعیت عینی منطبق ساخته است. در واقع اشراف ایشان بر اندیشه و فقه اسلامی موجب گردیده تا وی علاوه بر تبیین این مفهوم و ابعاد آن، بر عینیت‌سازی آن، اهتمام ورزد. این مقاله به دنبال آن است تا به بررسی مصداق عینی مفهوم «استکبار» و «ضد استکبار» در اندیشه امام خمینی (ره) بپردازد. یافته پژوهش نشان می‌دهد که از نگاه امام خمینی (ره) مصداق عینی مفهوم استکبار نظام آمریکاست و کشور ایران نماد ضد استکبار است. روش بکار رفته در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و ابزار پژوهش داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژگان کلیدی: استکبار، امام خمینی (ره)، آمریکا، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی و تحلیل پدیده‌های سیاسی از منظر جامعه‌شناسی می‌پردازد که ساختار قدرت سیاسی یکی از آنهاست. از طرفی یکی از پدیده‌های سیاسی‌ای که همواره در روابط بین کشورها مورد توجه بوده نوع رابطه دو کشور بوده است. به عبارت دیگر مسئله این است که آیا رابطه برقرار شده بین دو کشور تأمین‌کننده منافع هر دو طرف است یا تنها منافع یک طرف را تأمین می‌کند؟ در همین رابطه مفهومی خلق شده که در تفکر اسلامی برای آن مبنای فقهی وجود دارد و آن مفهوم «استکبار» است.

درواقع از زمانی که بشر خلق شده مفهوم «استکبار» و در مقابل آن مفهوم «استضعاف» نیز به وجود آمده است. لذا این واژه قدمتی در ازای تاریخ حیات بشر دارد. البته روشن است که این پدیده همیشه به یک شکل و رنگ نمود نیافته بلکه با جلوه‌های گوناگون و در هر زمان و مکان، به شکل خاصی پدیدار شده است. استکبار و استضعاف هر دو پدیده‌های منفی سیاسی محسوب می‌شوند که در روابط بین کشورها مفهوم پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، دو جبهه استکبار و ضد استکبار همواره در تقابل با یکدیگر شکل گرفته‌اند. برای نمونه در زمان صدر اسلام از زمان حکومت پیامبر (ص) تا نزاع‌های پیش آمده بعد از رحلت ایشان در زمان حکمرانی معاویه و یزیدبن معاویه نیز به خوبی می‌توان تقابل این دو جبهه را مشاهده کرد.

در همه دوران‌ها پدیده ضد استکبار و اعمال اقدامات تدافعی در برابر آن، همواره دغدغه جبهه ضد استکبار بوده است. در یک نگاه کلی، می‌توان به این امر قائل بود که مبارزه با دشمن سلطه‌گر، از نظر عقلی برای همه اندیشمندان امری مثبت محسوب می‌شده است و بر دولت‌ها و ملت‌ها اینگونه فرض می‌شد که بایستی استقلال خود را حفظ نمایند. برای مثال، حتی نظریه‌پردازان واقع‌گرا نیز که نسبت به نظام بین‌الملل دید منفی‌ای داشتند و اصل آنارشی را در سیاست بین‌الملل امری غیرقابل تغییر می‌دانستند اما دولت‌ها را به لزوم کسب قدرت برای فرار از سلطه دیگران تشویق می‌کردند که نظریه‌پردازان تدافعی و تهاجمی رئالیست از این قبیل اند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۵).

در عصر حاضر نیز پدیده استکبار در قالب قدرت‌های سلطه‌گر عرض اندام می‌نماید. عمده این جریان متعلق به جبهه‌ای است که از سوی برخی کشورهای غربی سلطه‌گر شکل گرفته

است. حضور غربی‌ها در دوران‌های گذشته و دخالت آنها و نفوذشان در کشورهای اسلامی از جمله ایران، با اینکه بسیار مسئله برانگیز بود، اما تبدیل شدن آنها به سایه‌هایی از یک دشمن مفروض زمانی پررنگ‌تر گردید که وارد دوران رویارویی با کشورهای مذکور شدند. البته در این زمان، ایران با به راه انداختن جریان ملی‌شدن صنعت نفت، برای نخستین بار اقدامی فعال و کنش‌گرانه نسبت به جهان غرب را در عرصه سیاست خارجی به ظهور رساند و موفقیت‌هایی به‌دست آورد. این کنش تقابلی با غرب، با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) شکل جدید و شدیدتری به خود گرفت؛ این درحالی بود که بیشتر کشورهای اسلامی در انقیاد استعمار و استعمار نو بودند (موسوی‌چشنی، ۱۳۹۲: ۱-۳۰). در واقع با وقوع انقلاب اسلامی ایران پدیده ضد استعمار جان تازه‌ای گرفت.

اگرچه نظریه‌پردازان غیر اسلامی درباره موضوع استکبار البته با استعمال واژگان استعمار^۱ و استعمار^۲ (شیوه‌های سیطره‌طلبی استکبار) در مباحث علمی و دانشگاهی مباحثی را ارائه نموده‌اند که می‌توان نظریات مارکسیستی از جمله این نظریات دانست که در تلاش بودند تا نظام بین‌الملل را به چند طبقه تقسیم کنند و برای مثال، خلق واژه «امپریالیسم»^۳ توسط این نظریه‌پردازان در همین راستا قرار می‌گرفت، اما در متون اسلامی از جمله قرآن کریم همواره واژه استکبار و مستکبرین به‌وفور مورد استفاده قرار گرفته است. به‌ویژه با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی (ره)، نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌های اصول اسلامی از جمله ضدیت با استکبار و حمایت از محرومین تأسیس شد که بنیان‌گذار اصلی این تفکر امام خمینی (ره) بود.

آنچه که مسلم است اینکه مطابق نظر فقهای شیعه که نظریاتشان مبتنی بر متن قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام است همواره پدیده استکبار وجود داشته و دارد اما در هر زمانی، مصادیق آن تغییر می‌کند. لذا در جوامع امروزی که کشورها در قالب دولت ملت‌ها شکل گرفته‌اند کشورهای خاصی نماد جریان استکبار می‌باشند. امام خمینی (ره) از جمله اندیشمندانی است که علاوه بر ارائه مباحث نظری استکبار به تبیین عینی این مفهوم نیز پرداخته‌اند و حتی با ذکر نام کشورهایی را به‌عنوان نماد استکبار و کشورهایی را به‌عنوان نماد ضد استکبار معرفی نموده‌اند.

1 Colonialism

2 Exploitation

3 Imperialism

در این تحقیق به دنبال این هستیم تا علاوه بر شناخت مفهوم استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی مصادیق عینی امروزی این مفهوم را از نگاه وی مورد بررسی قرار دهیم.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

این مقاله دو هدف را دنبال می‌کند. یکی شناخت مفهوم استکبار است که هم در قرآن و متون دینی به آن اشاره شده است و هم فقهای اسلامی به آن پرداخته‌اند. دیگری تطبیق مفهوم استکبار با مصداق عینی آن در عصر حاضر است. سؤال اصلی پژوهش آن است که در اندیشه امام خمینی (ره) مصداق عینی مفهوم «استکبار» چه نظام یا کشوری است؟ در طول تحقیق سؤال دیگری که مطرح می‌شود اینکه مصداق عینی «ضد استکبار» چه نظام یا کشوری است؟

پیشینه پژوهش

در رابطه با این موضوع به دو دسته از پژوهش‌ها می‌توان اشاره نمود. دسته اول پژوهش‌هایی است که در رابطه با مفهوم استکبار نگاشته شده‌اند و دسته دیگر نظرات امام خمینی (ره) در رابطه با مفهوم استکبار است. در کتاب *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)* (فوزی، ۱۳۹۲) به‌طور کلی اندیشه و دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی (ره) در پنج فصل تشریح و تبیین شده است. مبانی نگرش امام خمینی به سیاست خارجی و نظام بین‌الملل در فصل پنجم کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مقاله «جنگ فرهنگی استکبار: اهداف - راهبردها» (حاجی صادقی، ۱۳۹۴: ۹۷-۱۱۲)، نویسنده به چگونگی پیشبرد اهداف استکبار با روش‌های مختلف از جمله کاربرد ابزار سخت یا نرم توجه نموده است. مقاله «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی» (آقامهدوی، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۱۶۷) یا مقاله «معناشناسی مفهوم استکبار در قرآن» (افتخاری و باباخانی، ۱۳۹۴) با محوریت نص قرآن به این مفهوم توجه نموده است. پایان‌نامه «استکبارستیزی در قرآن با رویکردی بر استکبار جهانی» (الهی، ۱۳۹۱)، ضرورت دشمن‌شناسی، شناخت شیوه‌های عملکرد استکبار و مقابله با راه‌های تسلط مستکبرین را بررسی نموده است. همچنین در پایان‌نامه «استکبار و استضعاف از دیدگاه کتاب و سنت» (شایسته، ۱۳۸۵)، معنای لغوی و اصطلاحی استکبار و استضعاف، در پرتو بیان قرآن و حدیث، مورد تحلیل قرار گرفته

است. اما نوآوری این پژوهش آن است که به‌طور مشخص مصداق‌شناسی مفهوم استکبار و ضد استکبار در پرتو رابطه ایران و آمریکا از دیدگاه امام خمینی (ره) را دنبال می‌کند.

چارچوب مفهومی

استکبار

واژه استکبار در اصل از ریشه «کبر» به معنای عظمت و بزرگی قدرت است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۷۲). «کبر» حالتی ناشی از احساس خودبرتری است. در تقسیم‌بندی، می‌توان کبر پسندیده و کبر ناپسند را از هم تفکیک داد. کبر پسندیده در جایی است که متکبر مستحق بزرگی کردن است. اما کبر ناپسند آن حالت است که متکبر خود را بزرگ می‌نماید درحالی‌که عملاً برتری و بزرگی‌ای ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۷)، تنها خداست که متکبر بودن حق اوست و از او پسندیده است. درحالی‌که زمانی که از واژه استکبار استفاده می‌شود حالت پسندیده معنای کبر مراد نیست و تنها به حالتی اشاره دارد که طرف خود را به ناحق بزرگ می‌نماید.

درواقع استکبار آن است که اظهار بزرگی و تکبر کند به آنکه اهلش نیست (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۷۳) عبارت «الکِبَرُ مَنْ بَطَرَ الْحَقَّ» به معنی اینکه مستکبر نسبت به حق طغیان می‌کند و آن را نمی‌پذیرد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۲۷) بنابراین استکبار به معنای «بزرگ دیدن کسی یا چیزی» (فرهنگ لغت دهخدا) و نیز در بعد سیاسی به معنای زورگویی ناشی از داشتن قدرت، به کار رفته است (فرهنگ عمید).

ذکر این نکته لازم است که استعمار و استثمار دو شیوه‌ای هستند که مستکبر برای تحقق اهدافش از آن بهره می‌جوید. لذا در این پژوهش مفهوم استکبار با این دو واژه سازگاری مفهومی دارد.

مستکبر

در فرهنگ لغت واژه «مستکبر» نعت فاعلی از استکبار دانسته می‌شود که به معنای متکبر و مغرور و حتی تاحدی گردنکش تعریف می‌گردد (فرهنگ لغت دهخدا، ذیل مستکبر). از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در قرآن کریم برای مستکبر آمده است مغرور و قدرت طلب بودن است (سوره

فصلت، آیه ۱۵ و سوره جاثیه، آیات ۶-۸). مستکبر در خود احساس غرور و قدرت می‌کند و کسی را در جهان بنده نیست. لذا خود را چنان پندارد که بر همه موجودات و یا هم‌نوعان خود سرآمد است و می‌بایست دیگران، در مقابل او تسلیم باشند.

استضعاف

استضعاف از ریشه ضَعْف و ضَعْف است که در دو معنای «ضعیف یافتن» یا «ضعیف شمردن» و «به ضعف کشاندن» کاربرد دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۵). این کلمه به‌عنوان نقطه مقابل استکبار در نظر گرفته می‌شود و به کسی یا جماعتی گفته می‌شود که از سوی مستکبر به استضعاف کشیده شده باشد. معنی مستضعف تنها به جنبه اقتصادی، منحصر نیست و جنبه‌های سیاسی و فرهنگی را هم در برمی‌گیرد.

مبانی قرآنی استکبار

در جامعه‌شناسی قرآنی، جامعه به چند گروه تقسیم می‌شود که اصلی‌ترین آنها عبارت‌اند از مؤمنین، منافقین، کافرین. در گروه کافرین، از جمله عناصر مهم در ساختمان معنایی واژه «کفر»، مفهوم «استکبار» است. در قرآن کریم بر نقش این عنصر چنان تأکید شده که گویی تنها خصلت کفار همین پدیده کبر است. «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرِ مَنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ * فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (سوره شعراء، آیات ۵-۶). هیچ تذکر تازه‌ای از خداوند مهربان برایشان نیامد مگر آنکه از آن روی‌گردان بودند. پس آنان تکذیب کردند و به‌زودی اخبار (کیفر) آنچه را که به مسخره می‌گرفتند به آنان خواهد رسید. این خصلت‌ها معادل همان خود برترینی (کبر ناپسند) است که به کافران نسبت داده شده است.

در قرآن کریم «کبر» از جمله اصطلاحات اخلاقی منفی محسوب می‌شود که گاه این پدیده شوم در ارتباط با فرمان‌های الهی و عبادت خداوند بروز می‌کند و گاه از فرد یا گروه یا جامعه‌ای نسبت به دیگر افراد، گروه‌ها و جوامع ضعیف سرمی‌زند و این همان طلب سیطره و بزرگی کردن بر دیگران است. از دیدگاه قرآن، از نظر تاریخی اولین برخورد تقابلی با موضوع حق، در داستان خلقت حضرت آدم (ع) و ابا کردن ابلیس از پذیرش دستور خدا در سجده کردن بر آدم صورت گرفته که از آن به «استکبار» یاد شده است.

همچنین در جای دیگر، از قرآن در خصوص عدم وجود صفت استکبار در ملائکه آمده «و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از جنبه و فرشتگان، تنها برای خداوند سجده می‌کنند و تکبر و سرپیچی نمی‌کنند»^۱ (سوره نحل، آیه ۴۹). علامه طباطبایی ذیل آیه مذکور در خصوص اینکه استکبار در مقابل خدا می‌تواند باشد یا در مقابل بندگان اذعان به این نکته دارد که تکبر از سوی خدا مذموم نیست، بلکه از سوی بندگان مذموم است. چون در جامعه، افراد بر یکدیگر رجحان ندارند (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۱۲: ۳۸۶).

از نظر قرآن، مهم‌ترین حقی که مستکبران آن را نپذیرفتند و از آن دوری کردند عبارت بود از پذیرش و قبول دعوت خدا که در رابطه بین شعیب و قومش، به‌طور واضح، در این آیه آمده است: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَنَعُوذَنَّ فِي مَلْتِنَا». «اشراف زورمند و متکبر از قوم او [شعیب] گفتند: ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» (سوره اعراف، آیه ۸۸). اما وجه دیگر استکبار در برابر بندگان خداست که نمونه مشخص آن در داستان موسی و فرعون درباره رفتار مستکبرانه فرعون و لشکریانش با مردم ذکر شده است: «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» (سوره قصص، آیه ۳۹)^۲.

آنچه که مهم است اینکه از نظر قرآن، عمل استکباری نسبت به خدا و مخلوق خدا امری ناپسند است که عقوبت به دنبال خودش دارد

روش تحقیق

روش به‌کار رفته در این پژوهش روش توصیفی و تحلیلی است که تمرکز بر تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و مواضع سیاسی امام خمینی در دوره رهبری ایشان در دوران جمهوری اسلامی است. ابزار پژوهش، منابع کتابخانه‌ای اعم از اسناد و سخنرانی‌هاست.

مطابق روش ذکر شده، در این پژوهش به مصداق‌یابی مفهوم استکبار و ضد استکبار می‌پردازیم که در این راستا، ابتدا با مراجعه به مبانی نظری اندیشه امام خمینی (ره) مصداق

۱ وَ لَئِذَا سَجَدُوا لَهُ فِى السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِى الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

۲ و او و سپاهیان‌ش در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به‌سوی ما بازگردانیده نمی‌شوند.

استکبار را بررسی می‌نماییم و ابعاد آن را مورد واکاوی قرار می‌دهیم و سپس به مصداق ضد استکبار خواهیم پرداخت.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، سؤال اصلی پژوهش آن است که در اندیشه امام خمینی (ره) مصداق عینی مفهوم «استکبار» چه نظام یا کشوری است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در عصر حاضر، ایالات متحده آمریکا نماد جریان استکبار است.

کالبدشکافی مفهومی استکبار در کلام امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) بر مبنای نگاه عرفانی خود در تبیین جنود عقل و جهل، واژه «استکبار» را اینگونه تعریف می‌نماید: «چون فطرت انسانی قبول حق کند، استسلام برای او حاصل شود. و چون فطرت، محتجب، خودبین و خودخواه شود و تحت تأثیر عوامل طبیعت واقع شود، از حق و حقیقت گریزان شود و صلابت و قساوت در آن پیدا شود. در نتیجه، استکبار کند و از حق سرکشی نماید.» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۳۹۹-۳۹۸).

اما از منظر فقهی وی مصداق مستکبر را گروهی معدود نمی‌دانند، بلکه تمام افرادی را که خصوصیات استکباری داشته باشند از نگاه ایشان ممکن است به استکبارگری روی بیاورند. لذا وی معتقد است «مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، به رؤسای جمهور، یا به دولت‌های ستمگر. استکبار یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف شمردند و مورد تجاوز و تعدی قرار دادند؛ یک مورد هم همین دولت‌های جائز. هر فرد می‌شود که مستضعف باشد و می‌شود مستکبر باشد. اگر من به زبردست‌های خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف.» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۸۹-۴۸۸).

ایشان واژه «استکبار» را، برای اولین بار، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیام تشکر خود به ملت ایران جهت حضور پرشکوه در فراندوم جمهوری اسلامی به کار برد و پس از آن، با استفاده مکرر وی از این اصطلاح، این مفهوم به تدریج وارد ادبیات نخبگان و عامه مردم گردید.

امام خمینی (ره) واژه «استکبار» را در مقابل واژه «استضعاف» قرارداد که برگرفته شده از ادبیات دینی و قرآنی بود. با نگاهی عمیق و دقیق به آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توان ادعا نمود که مفهوم استکبارستیزی در اندیشه ایشان از کلیدی‌ترین بنیان‌های فکری ایشان نشئت می‌گیرد. به اعتقاد وی روا نداشتن ظلم و ستم از یک‌سو و عدم پذیرش ظلم و ستم از سوی دیگر، ریشه در حق‌طلبی و گرایش انسان به سوی حقیقت دارد که امری فطری و مورد قبول سرشت پاک هر انسانی است. ایشان همان‌گونه که قیام‌الله را اولین گام در خودسازی و مبارزه با نفس می‌داند، قیام علیه ظالمین و ستمگران را نیز اولین مرحله اصلاح جامعه می‌داند که به نوعی معادل قیام‌الله در عرصه اجتماع است (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۳۱۵).

لذا از نگاه وی، این مسئله از جمله اموری است که تحت هیچ شرایطی امکان تعطیلی آن وجود ندارد. وی در سخت‌ترین شرایط در دوره اوج نهضت اسلامی در ایران که شدیدترین تحریم‌ها و سرکوب‌ها از سوی رژیم حاکم بر انقلاب مردم ایران اعمال می‌گشت نیز دست از مبارزه با استکبار برنداشت؛ درحالی‌که برخی از انقلابیون معتقد بودند که در این شرایط نباید به‌گونه‌ای سخن راند و عمل نمود که سایر کشورها علی‌الخصوص ابرقدرت‌ها را مقابل نهضت قرارداد. ایشان در سال ۱۳۴۲ (ه.ش) بیان نمود: «برنامه ما برنامه اسلام است. برادری با جمیع فرق اسلامی است و در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با دول اسلامی و در سراسر جهان مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل و مقابل دول استعمار طلب است.» (همان، ج ۱: ۳۳۶).

به عقیده ایشان، آنچه موجب به بند کشیده شدن ملل مسلمان شده سیاست شیطانی است که توسط رهبران برخی کشورهای اسلامی و غیراسلامی در حال اجراست. وی معتقد بود مردم مسلمان جهان باید از احوال یکدیگر مطلع شده و هر هفته در یک اجتماع بزرگی چون نماز جمعه جمع گردند تا مردم از مسائل روز، احتیاجات کشور و احتیاجات منطقه مطلع و آگاه باشند. امام همچنین معتقد بود در حج و مخصوصاً در منا، باید مسائل کشورهای اسلامی مطرح شود. لذا ایشان به دنبال زمینه‌سازی برای رهایی ملت‌ها از چنگال مستکبران عالم بود و همچنین معتقد بود در اسلام، حکومت به معنای سلطه و سیطره یک گروه بر سایر مردم نیست (خالقی، ۱۳۷۸: ۳۲۴).

ایالات متحده آمریکا، نماد جریان استکبار

در نگاه امام خمینی (ره)، آمریکا نماد بارز استکبار در جهان امروز است. از نگاه ایشان آمریکا به‌عنوان کشوری که بیش از نیم قرن و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به‌دنبال سلطه بر نظام جهانی بوده در تأمین منافع خود متوسل به رفتار مستکبرانه شده است. این برتری‌جویی آمریکا در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل بررسی است.

الف-سلطه اقتصادی؛ سردمدار نظام سرمایه‌داری

امام خمینی (ره) در تبیین اهداف و رویکردهای نظام سرمایه‌داری، ادعای انسان دوست بودن سرمایه‌داران غربی را ریاکاری سیاسی می‌داند و از طرفی، یکی از عوامل مهم نفوذ قدرت‌های بیگانه برای سودجویی در ایران و سایر کشورها را خودباختگی عناصر داخلی کشورها می‌شناسد و بیان می‌دارد « کارشناسان و سرمایه‌داران بزرگ آمریکا به اسم عظیم‌ترین سرمایه‌گذاری خارجی برای اسارت این ملت مظلوم به ایران هجوم نموده‌اند؛ سرمایه‌دارانی که بنا به نوشته بعضی از روزنامه‌ها هر لحظه از عمرشان ده‌ها هزار دلار قیمت دارد، باید دید برای چه منظور در تهران اجتماع می‌کنند؟ آیا برای غم‌خواری و انسان‌دوستی است؟! کسانی که دنیا را به خاک و خون کشیده‌اند و ده‌ها هزار انسان را برای شهوات به زیر خاک کرده‌اند در اینجا دوست صمیمی ما هستند یا نفوذ در دولت ایران و عظمت شاه موجب این امر است؟! یا سودجویی سیاسی و اقتصادی با دامنه وسیع آن، که پایگاهش ایران و سایر ممالک اسلامی و دیگر ممالک شرقی است.» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۷۷ - ۲۷۸).

ایشان همچنین به‌صورت مصداقی نیز به سودآور بودن منابع و مخازن موجود در کشورهای جهان سوم برای سرمایه‌داران غربی از جمله آمریکا اشاره می‌نماید و بیان می‌دارد: «در شرق چون مخازن زیاد است، مخازن نفت زیاد در شرق هست مثل کویت، مثل حجاز، مثل ایران، آن خارجی‌ها تمام چشمشان دوخته شده است به این مخازن ما و دارند می‌برند» (همان، ج ۳: ۵۱۸). ایشان منطق قدرتمندان را استثمار ملت‌ها می‌داند و ذکر می‌کند هدف ما از انقلاب اسلامی مقابله با این اندیشه و ایجاد فضایی مستقل و آزاد در داخل و خارج از کشور است (همان، ج ۴: ۷۹ - ۸۰).

ب- سلطه سیاسی؛ اعمال نفوذ و تحریم

امام خمینی (ره) معتقد بود رابطه تعریف شده با آمریکا، به عنوان نماد استکبار، رابطه صحیح نبوده و درست تعریف نشده است: «ما می خواهیم چه کنیم؛ روابط داشته باشیم با آنهایی که می خواهند ما را بچاپند؟ رابطه ما با آنها غیر از این است که رابطه چپاولگر و چپاول بشو است؟ برای چه ما می خواهیم این را؟» (همان، ج ۱۲: ۳۷۹). وی معتقد بود دخالت در امور داخلی و نفوذ در مناطق، مهم ترین هدف سیاسی کشورهای استکباری است: «البته آمریکا می خواهد که همه کشورهای را زیر نفوذ خود داشته باشد. ولی ما چنین تصویری را نمی توانیم بپذیریم و ملت از آن خسته شده است. ملت های دیگر نیز با پیروی از ملت ما خود را از دست اندازی استثمار رهایی خواهند داد.» (همان، ج ۵: ۴۱۴).

امام خمینی (ره) همچنین به طرح اعمال فشار بر کشورهای نیز واقف بود و بیان می داشت این مسئله ابزاری برای تسلیم شدن سیاسی کشورهاست: «اداره کنندگان کاخ سفید باید بدانند که دنیا عوض شده است و قدرت های شیطانی از حربه های استعماری کهنه و نو، خلع سلاح شده اند. کارگزاران سیاست آمریکا باید طرز تفکر و سیاست های خود را تغییر دهند و گمان نکنند اداره کل جهان در دست آنهاست و همه کشورهای چشم و گوش بسته در اختیار آنان هستند.» (همان، ج ۱۸: ۳۳۰).

از بعدی دیگر امام خمینی (ره) هدف آمریکا از نفوذ در ممالک را به خوبی تبیین می نمایند. ایشان بیان می دارد «ملت های شریف و توده های ملت شریف ما و این قشرهای مختلف، همه با جمهوری اسلامی موافق اند و با آمریکا مخالف. لکن با ماسک های دیگری، اشخاص در بین آنها نفوذ می کنند و مقصود این است که ملت را از آن راهی که می رفت منحرف کنند تا آمریکا بتواند کارهایش را انجام بدهد.» (همان، ج ۱۱: ۲۱۱).

در تحلیل ها و سخنرانی های امام خمینی به نفوذ آمریکا در سازمان های بین المللی برای اعمال فشار به کشورهای نیز توجه می شود؛ «ملت ما می داند که هر شورایی یا محکمه ای که تحت نفوذ مستقیم آمریکا تشکیل شود از اول، رأی آنان دیکته شده است و محکومیت مت مظلوم ما مورد استقبال آنان است. ملت ما با «شورای امنیت» فرمایشی که از اول تکلیف آن معلوم شده موافق نیست» (همان: ۱۳۵). وی راه نجات سایر کشورهای را نیز در فاصله گرفتن

از قدرت های استکباری از جمله آمریکا می‌داند و معتقد بود همانطور که ایران از این مسأله نجات پیدا کرد و در حال حاضر به عنوان یک کشور مستقل در نظام بین الملل تصمیم گیرنده است، سایر کشورها نیز بایستی همین راه را طی نمایند و با فاصله گرفتن از این قدرتها خود را نجات دهند.

ج - سلطه فرهنگی؛ یکدست‌سازی فرهنگی به نفع تفکر لیبرال دموکراسی

امام خمینی (ره) هویت و فرهنگ را نیاز اساس یک جامعه می‌داند و معتقد است قدرت‌های استکباری با وابسته نمودن فرهنگ کشورها تلاش دارند تا آنها را به خود نیازمند سازند. وی بیان می‌دارد «یک ملت احتیاج به فرهنگ دارد. ملت با فرهنگش زندگانی سیاسی می‌تواند بکند. ما فرهنگمان یک فرهنگی است که استقلال ندارد و مربوط به خود مردم نیست، بلکه اداره‌اش باید به دست خارجی‌ها بشود و به امر آنها تنظیم بشود؛ و لهذا یک فرهنگ سالم تحویل نمی‌دهند؛ یک فرهنگیان سالم تحویل ما نمی‌دهند. اساتید دانشگاه نمی‌توانند، به کار خودشان آنطور که باید ادامه دهند. دانشجوهای دانشگاه‌ها نمی‌توانند آنطوری که می‌خواهند به کارشان ادامه بدهند.» (همان، ج ۴: ۱۳۴-۱۳۵).

ایشان در وصیتنامه سیاسی-الهی خود نسبت به نقش نفوذ استکبار بیان می‌دارد «از جمله نقشه‌ها که مع الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش، و غریزه و شرقزده نمودن آنان است؛ به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم» (همان، ج ۲۱، ۴۱۴-۴۱۵).

به اعتقاد ایشان از شیوه‌های نفوذ استکبار، از درون تهی کردن ملت‌هاست. لذا خطر وابستگی فرهنگی و فکری را مهلک‌تر از انواع وابستگی‌ها می‌دانستند و معتقد بودند تا در یک ملت،

استقلال فکری و فرهنگی حاصل نشود بقیه انواع استقلال نیز حاصل نخواهد شد (همان، ج ۱۰، ۸۱-۷۹).

د- سلطه نظامی؛ دخالت نظامی در کشورها

یکی دیگر از وجود استکبار در نگاه امام خمینی (ره) تداوم سلطه بهره بردن از منطق قرون وسطایی یا به عبارتی سلطه نظامی است. ایشان خطاب به دولت آمریکا بیان می‌دارد: «آقای کارتر با زور سرنیزه تمام حقوق انسانی را نقض می‌کند و در مقابل ملتی که می‌خواهد حقوق خویش را مطالبه کند، به توطئه و ارباب، دخالت نظامی و محاصره اقتصادی پرداخته است. در منطق آقای کارتر جواب درخواست بحق یک ملت را باید با قدرت و قوای نظامی داد. در این منطق، منطق قرون وسطایی و حکومت جنگل بر تمام ارزش‌های انسانی و قوانین بین‌المللی حکومت دارد» (همان، ج ۱۱، ۱۰۹).

در حال حاضر براساس برخی آمار، ایالات متحده آمریکا در بیش از ۱۷۰ کشور دنیا نزدیک به ۸۰۰ پایگاه زمینی، دریایی، هوایی و جاسوسی در خارج از سرزمین خود دارد (www.politico.com). این در حالی است که در قرن ۲۱ دولت‌ها در ظاهر، مداخله نظامی در سایر کشورها را نفی می‌نمایند و معتقدند حضور نظامی یک کشور در کشور دیگر نوعی مداخله‌گری است.

سؤال دیگر پژوهش این است که نماد جریان ضد استکبار چه نظام یا کشوری است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در عصر حاضر، جمهوری اسلامی ایران نماد جریان ضد استکبار است.

جمهوری اسلامی ایران نماد جریان ضد استکبار

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) تحول نوینی را در باب مسائل سیاسی ایران اعم از سیاست داخلی و خارجی به دنبال داشت. در بعد داخلی، تغییر در ساختار حکومت و نحوه اداره کشور و سپردن امور به دست مردم و در بعد خارجی و بین‌المللی، تغییر رفتاری ایران بر مبنای اصول اسلامی بود. لذا اصول سیاست خارجی ایران در دوران جمهوری اسلامی

بر پایه اصول اسلامی تدوین گردید. یکی از این اصول، اصول استکبارستیزی و حمایت از مستضعف بود.

الف- حمایت از ستم‌دیده و دشمنی با مستکبر

امام خمینی مستضعفین را یاوران حقیقی دین خدا در طول تاریخ دانسته و بر لزوم اولویت حمایت از آنها در نظام جمهوری اسلامی تأکید می‌نماید. وی معتقد بود همه ادیان آسمانی از بین توده‌ها برخاسته‌اند و با کمک مستضعفین بر مستکبرین حمله برده‌اند. لذا مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۷، ۳۲۷).

ایشان همچنین در ایران، بر نقش مهم محرومان در برپایی نظام اسلامی تأکید می‌ورزید و در فضایی که گروه‌های روشنفکری بسیاری می‌کوشیدند نقش خود را در پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ کنند به صراحت عنوان نمود: «انقلاب مهم اسلامی رهین کوشش‌های این طبقه است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه کوخ‌نشین را از آن طبقه کاخ‌نشین بالاتر می‌دانم» (همان، ج ۱۴: ۲۶۲-۲۶۱).

شیوه‌های رهایی از سلطه استکبار

۱- آگاه نمودن مستضعفان جهان

امام خمینی (ره) از آنجاکه یکی از دلایل مهم در پذیرش ظلم و سلطه را ناآگاهی مسلمین از اوضاع جهان و روابط کشورهای سلطه‌گر با ممالک تحت سلطه می‌دانست همواره بر لزوم تلاش برای آگاه ساختن مستضعفان جهان از این که چه مصائبی بر این‌ها وارد شده است و تحت چه شرایطی زندگی می‌کنند تأکید داشت. از نظر وی این آگاهی و بینش، خود می‌تواند عامل مؤثری در قیام علیه استکبار باشد. لذا نقش علما و روشن‌فکران را در گسترش آگاهی در میان عامه مسلمین بسیار مهم و تأثیرگذار می‌دانست. (همان: ۲۶۹).

۲- ایجاد وحدت میان مستضعفان جهان

از جمله عواملی که امام خمینی (ره) آن را یکی از رمزهای موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌دانست وحدت کلمه و یکپارچگی تمام اقشار ملت در مبارزه با رژیم پهلوی بود. وی

همواره بر تلاش دشمنان در ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی تأکید نموده و بر پرهیز مسلمین از افتادن در این دام تأکید می‌کرد و راه رهایی از سلطه استبداد و استکبار را نیز وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان می‌دانست و تأکید می‌نمود: «مستضعفین جهان چه آنها که زیر سلطه آمریکا و چه آنها که زیر سلطه سایر کشورها هستند اگر بیدار نشوند و دستشان را به هم ندهند و قیام نکنند، سلطه‌های شیطانی رفع نخواهند شد» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ج ۱۷، ۴۲۹). ایشان با طرح ایده تشکیل حزب جهانی مستضعفین (همان، ج ۹، ۲۸۰) کوشیده‌اند نوعی وحدت و انسجام درونی در میان مظلومان و مستضعفان جهان ایجاد نماید.

۳- قیام مستضعفین علیه سران وابسته

امام خمینی (ره) یکی از آفات جوامع مستضعف را خودفروختگی سران این ممالک دانسته و معتقد بود ملت‌های مسلمان امروز مبتلا هستند به سرانی که روی تاریخ را سیاه می‌کنند. به اعتقاد وی اگر مستضعفان بخواهند از چنگال استکبار رهایی یابند، راهی جز قیام علیه حکومت فاسد و وابسته که عوامل و عناصر داخلی استکبار محسوب می‌شوند ندارند (همان، ج ۱۸، ۹۱). لذا بیان می‌دارد: «طبقات خدمت‌گذار متعهد، زمام امور را در دست‌گیرند و به‌سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل پیش بروند» (همان، ج ۱۵، ۱۰).

ایشان با ذکر آیات و روایات متعدد تحقق وعده تخلف‌ناپذیری الهی مبنی بر به حکومت رساندن محرومان و مستضعفان در جهان را نوید می‌دهد. لذا تأکید می‌نمود «ایران، حکومت مردم است، حکومت مستضعفان است. اینها در دلشان خوف نیست برای اینکه اگرچه بشود ما مقامان را از دست می‌دهیم. و چون حکومت ایمان است، خوف از شهادت هم ندارند» (همان، ج ۷، ۱۲۳).

ب- مدافع استقلال سیاسی کشورها

براساس اندیشه امام خمینی (ره) استقلال‌خواهی برای کشورها از جمله ایران بدین معناست که نه سلطه استکبار را می‌پذیرد و نه به‌دنبال سلطه بر کشور دیگری است. البته برخی مبتنی بر رهیافت انزواطلبی معتقدند تا زمانی که ملتی غیر از خویش از دیگران قطع امید نکند و تکیه

عمده خویشتن را بر امکانات داخلی خود متمرکز نکند نمی‌تواند به استقلال برسد درحالی‌که سیره عملی امام خمینی (ره) مخالف این رهیافت است. ایشان در جواب به سؤالی که جمهوری اسلامی تحت چه شرایطی به روابط خود با کشورهای غربی ادامه خواهد داد بیان می‌دارد: «ما نه چاه‌های نفت را می‌بندیم و نه درهای مملکت را به روی خود می‌بندیم و نه کشور را به بازار مصرف هرچه که غرب می‌سازد و می‌خواهد به ما تحمیل کند تبدیل می‌کنیم. ما از نفت استفاده خواهیم کرد، ولی دلیلی ندارد که همیشه صادرکننده آن باشیم» (همان، ج ۷: ۲۱۴).

درواقع ایشان معتقد است استقلال حقیقتی چند بعدی است که بدون تحقق و رشد ابعاد گوناگون، دست‌یابی به آن مشکل و ناممکن است و این ابعاد حوزه‌های گوناگون فرهنگی، ارتباطی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی را در برمی‌گیرد. لذا بیان می‌دارد «اسلام می‌خواهد که هیچ‌یک از افراد یک مملکت اسلامی وابسته به غیر نباشند، تحت نفوذ غیر نباشند» (همان: ۲۶۴).

از اصول اولیه و مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که به‌طور قطع برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی (ره) است نفی و طرد هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر است. ایشان معتقد بود ملت ایران پیرو مکتبی است که برنامه آن در دو کلمه «لا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» خلاصه می‌شود. لذا طبق آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» مهم است که مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند (سالاری، ۱۳۹۲: ۱۹۷-۱۹۶).

به‌طورکلی، پذیرش همه‌جانبه اصل استقلال در نگاه امام خمینی (ره) ریشه در نگرش توحیدی و اصل عدالت دارد. از اصل توحید دو اصل عملی تولی و تبرا در مورد ارتباط دوستی و پذیرش حق و طرفداران حق و نفی باطل و حامیان آن و از اصل عدالت و برابری، پذیرش حاکمیت مستقل جوامع در گستره هستی بر سرنوشت خود استنتاج می‌شود. ایشان به لحاظ نظری برای تحقق اصل استقلال در جامعه اسلامی اصل «نه شرقی و نه غربی» را به‌عنوان یک الگو برای سایر ممالک مطرح می‌کند و آن را به‌عنوان اصل و پایه مبارزات رهایی‌بخش خود از سلطه بیگانگان و استبدادگران داخلی قرارداد. این اصل به مفهوم عدم سلطه از هر ناحیه‌ای است. لذا در نگاه امام خمینی این مسئله پذیرفته نیست که برای رهایی از سلطه و نفوذ یک قدرت به قدرت دیگری روی بیاوریم و از دامن یک سلطه‌گر بیگانه به دامن دیگری بیفتیم.

ج - احترام به فرهنگ‌ها و بوم‌ها

امام خمینی (ره) نه تنها سلطه فرهنگی و تبلیغاتی استعمار را نمی‌پذیرفت بلکه معتقد بود به افکار، هويت‌ها، ادیان و سایر مذاهب باید احترام گذاشت. ایشان در ساحت اندیشه نیز مخالف با خوی استکباری بود و نمی‌پذیرفت که مفاهیم هویتی_اسلامی با هر شیوه مستکبرانه (اعم از انحصار رسانه‌ای، تخریب سایر فرهنگ‌ها و...) تبلیغ و ترویج شوند. این نگاه امام (ره) کاملاً با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های رایج در قرن ۲۰ میلادی متمایز بود چراکه اکثر این نظریات و از آن جمله نظریه لیبرال دموکراسی به انحاء مختلف در حال تخریب فرهنگ‌ها و استحاله اندیشه‌ها و فرهنگ‌های رقیب است (چامسکی، ۱۹۸۹).

این نگاه امام در شیوه حکمرانی وی متصور بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رابطه ایران با تمام کشورهای دنیا براساس احترام متقابل بوده است. لذا معتقد بود «احکام اسلامی احکامی است مسالمت‌آمیز و می‌خواهیم همه قشرها مسالمت‌آمیز باشند. همان‌طور که قبلاً تذکر دادم ما می‌خواهیم با کسانی که می‌خواهند با ما رابطه دوستانه داشته باشند، روابط دوستانه داشته باشیم و امیدواریم که کشور شما و دولت شما احترام متقابل را حفظ کند» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۷: ۸۹-۸۶).

در پیام به آقای لئونید برژنف (به مناسبت شصتمین سالگرد برقراری روابط سیاسی ایران و مسکو) بیان می‌دارد: «ضمن ابراز احترام متقابل امید است به همان‌گونه که در پیام خود آرزو کرده‌اید، احترام به حق حاکمیت ملت‌ها و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور دیگران پیوسته مورد توجه شما و سایر رهبران جهان باشد. از خدای تعالی ایجاد صلح و صمیمیت در میان همه ملت‌ها و قطع ایادی استعمارگران و به‌خصوص ابرقدرت‌های ستمکار را از سر مستضعفین جهان مسالت دارم.» (همان، ج ۱۲، ۳۴۲).

در کلام امام خمینی (ره)، احترام به فرهنگ، اندیشه و مذهب کشورها متقابل است. هیچ فرهنگی نمی‌تواند به واسطه قدرت سیاسی یا نظامی آن کشور بر کشور دیگر تحمیل گردد. درواقع قدرت نمی‌تواند موجب سلطه فرهنگی گردد. ایشان به صراحت اعلام می‌کند که مبنای سیاست احترام متقابل ایران با سایر کشورها قدرت آنها نیست. لذا در پاسخ به سؤال خبرنگاری در مورد اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در روابط با ابرقدرت‌ها چه

خواهد بود؟ پاسخ داد: «سیاست دولت اسلامی حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل بعد از استقلال تمام خواهد بود و فرقی بین ابرقدرت‌ها و غیر آنها نیست» (همان، ج ۴، ۴۱۱).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، وجود دارند نظریه‌پردازانی که معتقدند نظام توزیع قدرت در روابط بین‌الملل نظامی استیلاجویانه و به تعبیری استکباری است و در این رابطه نیز در جهت مقابله با این نظام، نظریه‌پردازی نموده‌اند. نظریات مربوط به امپریالیسم و نظریه‌پردازان حوزه توسعه نیز به شکل غیرمستقیم و با استفاده از مفاهیم مختلف این موضوع را مطرح کرده‌اند. در اقع کاربرد واژه استکبار یا معادل‌های قریب به این مفهوم در ادبیات نظری اسلامی و غربی وجود دارد، اما شأنیت استفاده از این نظریات با هم متفاوت است. در این مقاله تلاش شد تا بر مبنای اندیشه امام خمینی (ره) و مبتنی بر مبانی قرآنی، مصداق عینی جریان استکبار و ضد استکبار را معرفی نماییم. آنچه که مسلم است اینکه بر مبنای نگاه قرآنی پدیده استکبار و ضد استکبار همواره در این جهان وجود دارد. به عبارت دیگر، نمود نبرد حق و باطل را می‌وان در دو پدیده مذکور مشاهده کرد.

امام خمینی از جمله اندیشمندانی است که در این باره نظریه‌پردازی نموده است و البته تفاوتش با دیگران این است که وی تلاش کرد تا این مفهوم را نهادینه کند و در قالب‌های مختلف اجرایی مورد توجه قرار دهد. به عبارت دیگر ادبیات استکبارستیزی در اندیشه امام خمینی (ره) تنها محدود در کتب و سخنرانی‌های ایشان نمی‌شود. بلکه ایشان تلاش نمودند تا در لایه‌های مختلف حکومتی این ادبیات را وارد نماید و به گفتمان نظام تبدیل کند. لذا تعیین مصداق استکبار و مبارزه با آن در سندها و متون بالادستی نظام از جمله قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. ایشان با استناد به شواهد و مبانی قرآنی استدلال می‌نمایند که ایالات متحده آمریکا نماد بارز استکبار در جهان کنونی است و در مقابل، نظام جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ تأسیسی و هم عملکردی، نقطه مقابل جریان استکبار در نظام بین‌الملل بشمار می‌رود. به عبارت دیگر ایران عصر حاضر یکی از سردمداران جریان ضد استکبار است.

از نگاه امام خمینی (ره)، کشوری همچون ایالات متحده که همواره با ابزار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی سعی نموده با روحیه استیلاجویی بر سایر قدرت‌ها و کشورها غلبه نماید به‌عنوان نماد کشور سلطه‌جو و مستکبر معرفی می‌شود. از طرفی جمهوری اسلامی که همواره مدافع استقلال کشورها بوده و بر حمایت از مستضعف تأکید نموده و همه فرهنگ‌ها را قابل احترام می‌داند به‌عنوان نماد ضد استکبار و حامی مستضعفین شناخته می‌شود.

مبتنی بر مبانی قرآنی و دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان به این نتیجه دست یافت که هر کشوری که ویژگی‌های سلطه‌جویانه داشته باشد همچون آمریکای امروز در زمره کشورهای استکباری قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، هر کشوری که نه تنها سلطه‌جو نبوده بلکه پرچمدار مبارزه با جریان استکبار باشد، همچون ایران امروز در زمرل کشورهای ضد استکباری قرار می‌گیرد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- افتخاری، اصغر؛ باباخانی، مجتبی (۱۳۹۴)، «معناشناسی استکبار در قرآن»، *آموزه‌های قرآنی*، شماره ۲۱: ۵۳-۲۷.
- الهی، طاهره (۱۳۹۱)، «استکبارستیزی در قرآن با رویکردی بر استکبار جهانی»، پایان‌نامه حوزه علمیه خراسان، مشهد: مدرسه علمیه حضرت رقیه (س).
- آقامهدوی، اصغر؛ نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، *دانش سیاسی*، دورل ۷، شماره ۲ (پیاپی ۱۴): ۲۰۴-۱۶۷.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، *روابط خارجی*، دوره ۱، شماره ۱: ۱۵۳-۱۱۳.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*.
- چامسکی، نوام (۱۹۸۹)، *دموکراسی بازدارنده*، ترجمه علیرضا تاجیک، تهران: کیهان.
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۹۴)، «جنگ فرهنگی استکبار: اهداف راهبردها»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۲: ۱۱۲-۹۷.

- خالقی افکند، علی (۱۳۷۸)، *امام خمینی (ره) و غرب، فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۱: ۳۳۹-۳۰۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، «المفردات فی غریب القرآن»، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه.
- سالاری سه دران، مریم؛ کاکایی بغچه میشه، عباس (۱۳۹۲)، *اصول‌گرایی در اندیشه امام خمینی (س)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شایسته، مریم (۱۳۸۵)، «استکبار و استضعاف از دیدگاه کتاب و سنت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۲)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۲)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران: نشر معارف.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، *فرهنگ فارسی عمید*.
- موسوی، خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۴)، «حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی»، *تبیان*.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- موسوی‌جشنی، سیدصدرالدین؛ درودی، مسعود (۱۳۹۲)، «بازنمایی مفهوم استکبار جهانی در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره)»، *جهان اسلام*، دوره ۱، شماره ۱: ۳۰-۱.
- <https://www.politico.com/magazine/story/2015/06/us-military-bases-around-the-world-119321>.